

نوهم استکبار

برگرفته از مقاله محمد حسن زاده در روزنامه کیهان مورخ ۸۹/۱۲/۴

گروه های مخالف «حسنی مبارک» در مصر مبنای حرکت شان، نگاه دینی و اسلامی است.

استکبار دوستی یا استکبارستیزی؟

آشوبگران خرداد و تیر ۸۸ در تهران، با شعارهایی مانند «نه غزه، نه لبنان، جانم فدای ایران» و درخواست کمک از رئیس جمهوری آمریکا، از همان ابتدا همبستگی و دوستی خود را با اسرائیل و آمریکا اعلام کردند. ذوق زدگی ایالات متحده و اسرائیل از اتفاقات داخل ایران و حمایت رسمی اوپاما از سران و آشوبگران خیابانی تهران، نشان از دل بستگی دوطرفه فتنه گران و آمریکا و اسرائیل دارد. اما در تونس و مصر اتفاقاتی در حال وقوع است که کاملاً برعکس وقایع ایران است. در آشوب های سال ۸۸ تهران، آمریکا از فتنه گران حمایت کرد و به هجمه و اتهام زنی به نظام پرداخت. این در حالی است که در وقایع مصر، آمریکا رسماً از دیکتاتور مصر حسنی مبارک، حمایت می کند و مردم مصر بارها به خاطر ظمی که مبارک در حق مردم بی گناه غزه انجام داده، فریاد مرگ بر آمریکا و اسرائیل سر داده اند. وقایع خاورمیانه در سال های اخیر نشان داده هر جا که مردم توانستند انتخابات آزاد و سالم مبتنی بر دموکراسی واقعی برگزار کنند، کسانی را انتخاب می کنند که مخالف سیاست های آمریکا در منطقه هستند مانند ترکیه و عراق. به همین دلیل آمریکا از حاکمان دیکتاتور کشورهای عربی حمایت می کند و روابط دوستانه ای با آن ها دارد.

تظاهرات مردمی در کشورهای عربی این روزها درحالی درصدر اخبار رسانه های جهان قرار دارد که بعد از فرار دیکتاتور تونس به عربستان، مردم دیگر کشورهای عربی منطقه به قدرت اتحاد خود ایمان آوردند و آتش انتفاضه مردم به مصر و اردن و یمن هم سرایت کرد. تصاویری که از کشورهای تونس، مصر، اردن و یمن مخابره می شود، از قبیل آشوب های خیابانی و درگیری با پلیس، مانند اتفاقاتی است که در خرداد و تیر ۸۸ در تهران رخ داد. معترضین به نتایج انتخابات ریاست جمهوری در ایران از لحاظ خاستگاه فکری غرب گرا بوده و سران آن ها دارای روابط نزدیک و دوستانه با کشورهای غربی بودند. طوری که بعد از شکست فتنه سبز در ایران، عده ای از آن ها کشورهای غربی را به عنوان پناهگاهی برای فرار از خشم ملت ایران برگزیده و عده ای دیگر به سمت ایالات متحده آمریکا روانه شدند.

اما آنچه مردم کشورهای عربی را به خشم و قیام واداشت، غرب گرا بودن حاکمان شان بود. و این دقیقاً تفاوت قیام شان با آشوب های فتنه سال گذشته ایران است. مردم مسلمان منطقه وقتی می بینند هم کیشان آن ها در فلسطین زیر رگبار صهیونیست های نژادپرست مانند برگ های پاییزی می ریزند و رهبران کشور هایشان با قاتلین آن ها دیدار می کنند و یکدیگر را در آغوش می گیرند، فریاد خشم شان بلند می شود.

امروز در تونس و مصر و یمن و بحرین و لیبی و... اکثر معترضین را اسلام گرایان تشکیل می دهند. در تونس بعد از ۲۰ سال، صدای اذان از رادیو پخش شد و این به تنهایی پیام انقلاب مردم تونس را به کشورها دیگر عربی رساند که انتفاضه آن ها یک حرکت اسلامی است. اما در ایران، گروه های هدایت کننده آشوب های اخیر، همه در یک اصل مشترک بودند و آن سکولاریسم بود. از جبهه ملی و نهضت آزادی و سلطنت طلب و اصلاح طلب آمریکایی تا بهایی و منافقین (مجاهدین خلق)، با شعار جمهوری ایرانی، وحدت نظر خود را در اصل سکولاریسم نشان دادند و این در حالی است که

دوستان و دشمنان؟

با شروع ناآرامی ها در تهران و پوشش رسانه ای برنامه ریزی شده غربی ها از درگیری های خیابانی در رسانه ها، در کنار خوشحالی زایدالوصف صهیونیست ها و آمریکایی ها، نگرانی ها در میان مردم و جنبش های مبارز منطقه بالا گرفت. اما برخلاف وقایع تهران که بعضی از دوستان دیکتاتور آمریکا در منطقه (مانند عربستان) از بحران داخلی ایران خوشحال بودند، امروز از رخداد های تونس، مصر و بحرین ناراحت و نگران هستند و از خشم دندان می ساینند. خیزش مردم کشورهای عربی ناراحتی غربی ها و سران دیکتاتور دیگر کشورهای عربی را به همراه داشته است و موجی از خوشحالی و امیدواری مسلمانان منطقه را به ارمغان آورده است. آنچه در تهران اتفاق افتاد یک آشوبگری بود تا یک تظاهرات مردمی... چرا که اولاً منحصر در تهران بود و مردم دیگر شهرهای کشور با عدم همراهی خود به آشوبگران نشان دادند با آن ها مخالفند و دیگر این که در همان تهران هم فقط قشر خاصی از جامعه با آشوبگران و ارادل و اوپاش خیابانی همراهی کردند. در حقیقت تظاهرات میلیونی ۹ دی و ۲۲ بهمن سال ۸۸ و ۸۹ نشان داد که نظام جمهوری اسلامی از چنان پشتوانه مردمی برخوردار است که شکستن چند شیشه و آتش زدن چند سطل زباله آن را ساقط نمی کند.

